

## تسلط دالر امریکایی بر سایر پول‌ها و پیامدهای آن

### (ترجمه)

پول مقیاس ارزش کالا و خدمات است؛ آن چیزی است که تبادل کالا و خدمات توسط آن انجام می‌شود. از زمان‌های قدیم مردم در کنار معادن مانند طلا، نقره و مس چیزهای زیادی را به عنوان پول به مرور زمان استفاده کردند. همه مردم بر قبول طلا و نقره به عنوان ارز اصلی متفق اند و اجرای سیستم ارز طلائی در تمام گوشه و کنار دنیا، به شکل‌های مختلف تا سال 1971م، زمانی که دالر امریکایی از نوسانات بازار آزاد در امان بود، انجام شده است.

برای سیستم ارز طلائی استفاده شده در روابط ارزی سه شکل اساسی وجود داشته است:

اول: سیستم ارزی طلائی تا جنگ جهانی اول انجام می‌شد و درین سیستم، ارزهای طلائی و اوراقی که 100% باطلا معادل بود و در داد و گرفت بجای طلا استفاده می‌شد، رواج داشت.

دوم: در سال‌های بعد از جنگ جهانی اول درین سیستم، بانک‌نویس‌های مروج در مقابل طلا به چاپ رسید؛ اما تحویل به آن به عوض طلا محدود به اوزان مشخص و مرتبط به شروط و احکام خاص بود. پشت سر گذاشتن این سیستم، پس از گذشت اندک زمانی در سال 1931م صورت گرفت.

سوم: سیستم صرافی طلا (ارز).

مطابق این سیستم، ارزهای ملی، امتیاز تحویل مستقیم به طلا را نداشت؛ اما در مقابل اموال کشور دیگری تحویل آن در عوض طلا ممکن بود؛ بر همین مبنا، کشورها بنام کشور تابع، متبوع و پول کشور متبوع نام‌گذاری شد.

در دوشکل اول و دوم، در زمان‌هایی که سیستم ارز طلائی جریان داشت، کاستی در سپرده‌های کشوری نبود؛ به ویژه این که تورم در نرخ ارز طلائی مورد استفاده، قبل از جنگ جهانی اول وجود نداشت، بصورت آزادانه انتقال اموال میان کشورها ممکن بود و باعث تورم در نرخ ارز نمی‌شد؛ به گونه مثال: زمانی که اولین ارز در زمان دولت عثمانی در سال 1326م به چاپ رسید، تا سال 1740م میان‌گین/اوسط تورم در ارز عثمانی 84% در خلال 414 سال بود که معادل 0.20% در هر سال می‌شود. به تعبیر دیگر، این تنها ارزی بود که با گذشت سال‌های متمادی به کمک طلائی که ارزشش را از خودش می‌گیرد، توان محافظت از قیمت و ارزش خود را به شکل دائمی داشت؛ زیرا مداخلات و اغتشاشات خارجی وجود نداشت.

طلا ارزی است که دنیا آن را به اعتبار معدن و تولید محدودش پذیرفته است و مطابق تمایل مردم امکان زیاد شدن و تورم را ندارد؛ بنابراین، نمی‌شود، در بازار زیاد و یا کم عرضه شود؛ چنانچه امروز در ارز کاغذی دیده می‌شود. پس زیادت آن بسته به مشغول بودن معادن طلا و استخراج آن ازین معادن است. ما وقتی که بطور کلی به دنیا نگاه کنیم، دیده می‌شود که استخراج سالانه طلا محدود است. علاوه بر این، ممکن نیست کل طلائی که استخراج می‌شود، مستقیم تبدیل به نقدینه شود؛ زیرا طلا در عرصه‌های مختلف دیگر صنعت، مانند تلویزیون و موبایل همراه استفاده می‌شود. بر مبنای آمار سال 2018 سالانه نزدیک به 3500 تُن طلا تولید می‌شود. از طرفی، این مقدار طلای تولید شده در صنعت استفاده شده و از جانب دیگر، برخی ازین مقدار، به عنوان زیور و ظروف به ظروف مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنابراین، تطبیق نظام طلائی در ارزش‌گذاری کالا و خدمات تولیدی در تمام جهان کافی است.

با این هم، کشورها به دلیل رشد تورم در جنگ جهانی اول، تلاش کردند به معیار طلا برگردند؛ اما رکود اقتصادی مشهور در سال 1929م و تطبیق برخی از جوانب نظام سرمایه‌داری و مأموریت‌های جنگ جهانی دوم باعث شد کشورهای دنیا چاپ پول را بدون عوض سرعت ببخشند و سبب شد سیستم ارز طلائی دفن تاریخ شود.

تسلط نقدینگی دالر در دنیا با توافق‌نامه "برتون و ووز" شروع شد. در سال 1944م در کنفرانسی که 44 کشور حضور داشت، سیستم جدید پولی، بر مبنای ارتباط تمام پول‌ها به دالر امریکایی رقم خورد؛ زیرا در آن زمان، بعد از جنگ جهانی دوم، دالر در مقابل طلا بود. امریکا در صد بزرگی از ذخایر طلا را در دنیا در اختیار داشت. در سال 1950م ذخایر طلائی که در اختیار واشنگتن بود، 65% کل ذخایر طلائی جهانی را تشکیل می‌داد.

اما امریکا پول مروجه را بیشتر از ذخایر طلا و بدون پشتوانه طلائی چاپ کرد. این کار بخاطر مصارف جنگ ویتنام و تقاضای دلار از سوی کشورهای جهان انجام شد. بنابر این، توافق نامه "برتون و ووز" ملغی گردید و دلار در دسامبر 1971م در زمان رئیس نیکسون در نوسانات آزاد رها گردید. بر مبنای توافق نامه "برتون و ووز" یک انس = (31.1گم) طلا در مقابل 35 دلار امریکایی تعیین شده بود؛ اما در حال حاضر یک انس طلا برابر با 1942 دلار است. پس دلار بر حسب تاریخ 4 مارس 2022م 55.48% ارزش خود را در مقابل طلا از دست داده است.

امریکا زمانی که از سیستم "برتون و ووز" میخواست که دلار باید در مقابل طلا چاپ شود، شانه خالی کرد و به راحل دیگری از طریق نفت متصل شد تا بتواند بر مشکلات ناشی از چاپ دلار بلاعوض فایق آید. حکومت امریکا توافق نامه ای را در مقطعی از سال 1972م تا 1973م، با خانواده حاکم سعودی امضا نمود که بر مبنای آن نفت فقط باید با دلار معامله شود و امریکا در عوض حاکمیت آل سعود را حفاظت کند. کشورهای دیگر در سازمان اوپک نیز پا به جای پای سعودی گذاشت و در مقابل نفت فقط دلار پذیرفته می شد. در نتیجه کشورهایهایی که تمایل به خرید نفت داشتند، فقط باید با دلار می خریدند. این یک گام بسیار بزرگ برای پذیرش دلار چاپ شده ای بدون پشتوانه از سوی کشورهای جهان و حفظ امتیاز آن به عنوان ارز پس انداز بود؛ به ویژه زمانی که دلار در سال 1971 میلادی در نوسانات آزاد رها و در بازارهای جهانی زیاد ریخته شد. به دلیل لغو ارتباط دلار با طلا، بانک پس انداز فدرال امریکا اوراقی را در بازارهای جهانی عرضه کرد که بهایی آن ها تقریباً به شش سنت می رسید؛ آن که در تمام اقتصادهای جهانی مشکل آفرید. بنابر این، ارزش دلار در مقابل ارز کشورهای دیگر، با بکارگیری سیاست های پولی فشرده یا توسعه یافته، سیر سعودی را پیمود. طور مثال: با آمدن بهران جهانی در جنوری سال 2008م قیمت خالص اوراق بهاداری که بانک پس انداز فدرال دست به دست می کرد، به 817 میلیارد و 367 میلیون دلار می رسید و از آن زمان تا فیبروری سال 2022م به 2 تریلیون و 232 میلیارد و 107 میلیون دلار رسید. در عین تاریخ، طبق ارقام و آمار عمومی، که از سوی هیئت بانک پس انداز فدرال ارائه شد، 922 میلیارد و 187 میلیون دلار و 8 تریلیون و 928 میلیارد و 129 میلیون دلار بوده است. به عبارت دیگر، امریکا در خلال همین مدت M0 را از حیث عرضه ی پول نقد 1 تریلیون و 414 میلیارد و 740 میلیون دلار به چاپ رسانده است، در حالی که اگر در اعتبار عرضه پول نقد M1 و M2 و M3، قرض و ابزار دیگر در نظر گرفته شود، میانگین عرضه پول نقد به ده ها برابر این رقم افزایش می یابد.

نظر به سیستم "برتون و ووز" و ارتباط تمام ارزهای جهان به دلار امریکا، همه کشورهای جهان دلار امریکا را به عنوان پول پس انداز و یکی از محورهای اصلی در سیاست پولی، ذخیره می کنند؛ به گونه ای که کشورهای پول محلی خویش را در مقابل کمیتی از دلار که نزدشان است، به چاپ می رسانند؛ زیرا دلار در واقع معادل طلا بوده است. در سال های بعد از امضای توافق نامه در سال 1944م، با این که در سال 1971م رئیس جمهور آن زمان امریکا (ریچارد نیکسون) ارتباط دلار را با طلا ملغی اعلام کرد؛ اما دلار ارز رسمی جهانی گشته است؛ حتی کشورهای مانند چین و روسیه که با امریکا به شدت رقابت دارند، نیز مقادیر زیادی از دلار امریکایی را در صندوق های شان نگهداری می کنند. در صد دلار در حساب های پس انداز 146 بانک مرکزی کل دنیا به 64% می رسد.

همچنان بسیاری از تجارت ها در دنیای امروزی با دلار انجام می شود؛ در کل دنیا مبلغ بیش از 7 تریلیون دلار امریکایی در معاملاتی که ارتباطی به تولیدات و خدمات امریکا ندارد، دست به دست می شود. این که امریکا شرط گذاشته که خرید نفت باید با دلار انجام شود، دلار را معیار اصلی در تجارت بین المللی قرار داده است؛ در حال حاضر 88% درصد تجارت جهانی با دلار امریکایی و 22% با یورو و 17% با ین جاپان انجام می شود.

درین مرحله کشورهای جهان بیش از پول محلی خود به دلار امریکایی اعتماد دارند و مقادیر زیادی از پول های پس انداز خویش را پول هایی مانند دلار، یورو و ین جاپان، نگهداری می کنند تا این که توازن در تجارت بین المللی را حفظ نموده و از ضعف حساب جاری خویش دوری کنند.

بی ثباتی اسعار در دنیا و این که حکومت ها توان بالا و پایین بردن پول را در مقابل نقدینه های کشورهای دیگر را دارند، به خواستگاه نگرانی دنیا تبدیل شده است؛ بطور مثال در اثنای بهران اقتصادی در سال 2008م چین به شدت از پس انداز های بزرگ دلاری که داشت، نگران شده بود؛ زیرا تورم 10% دلار برای چین که 1,4 تریلیون پول خارجی داشت، 104 میلیارد دلار خسارت به همراه خواهد داشت؛ "امری که سعود اسلام و سقوط سرمایه داری را در ضمن خواهد داشت." بنابر بیان صندوق بین المللی پول در جنوری 2022م ذخایر ارزی برخی از کشورها قرار ذیل است:

امریکا: 249,551,000,000 دالر

انگلستان: 227,551,000,000 دالر

چین: 3,577,473,000,000 دالر

(بیش از یک تریلیون دالر ازین مبالغ به شکل سندهای خزانه‌داری امریکایی) است.

جاپان: 1,448,095,000,000 دالر

هند: 632,079,530,000 دالر

عربستان سعودی: 446,796,680,000 دالر

ترکیه: 109,717,000,000 دالر

زمانی‌که در ارقام فوق دقت شود، دیده می‌شود که در حال حاضر بیشترین ذخایر نقدی خارجی در دست چین، بزرگترین رقیب امریکاست که پس از چین روسیه می‌باشد. این ارقام نشان می‌دهد که برخی از کشورها اگرچه با امریکا رقابت دارند، در تلاش اند تا ارقام بلندی از ذخایر پولی خویش را دالر نگهدارند؛ این از آن جهت است که می‌خواهند اقتصادشان قوی بماند و در مبارزاتی‌که بدان‌ها رو برو هستند، قوی‌تر عمل کنند. از جانب دیگر، این کشورها به دلیل پیش‌گیری از زیان‌های اقتصادی تصامیمی نمی‌گیرند که سبب تورم دالر شود.

بنابر آمار صندوق بین‌المللی پول بیشتر از 61% از ذخایر بانکی خارجی امروز، با دالر امریکایی بوده و بیشتر ذخایر پولی تشکیل شده از سندهای امریکایی است؛ مانند پول یا سندهای خزانه امریکا. در عین زمان، حدود 40% از قرض‌های جهان با دالر امریکایی است. همین‌گونه به دلیل تسلط بازارهای مالی امریکا وضعیت ذخایر جهانی تا حدود زیادی به حجم و نیروی اقتصاد امریکا وابسته است؛ باوجود بلند بودن ضعف حساب جاری در ایالات متحده و تریلیون‌ها دالر از دیون خارجی کماکان خزانه امریکا امن‌ترین خزانه برای دارایی‌ها در نظام مالی جهانی محسوب می‌شود.

همچنین علی‌الرغم این‌که دالر امریکا نسبت به ارز کشورهای جهان نیروی مافوق است؛ بازهم باور راجح بر این است که نظام پولی که امریکا ایجاد نموده برای مدت طولانی‌تر، درجهانی‌که بر آن اقتصاد مجازی تسلط یافته، ادامه پیدا نمی‌کند. طبق نظریات دانشمندان این موضوع، امکان حفاظت از این نظام در درازمدت ممکن نیست؛ بنابراین، به دنبال ارز بدیل هستند؛ مانند بیت کوین. کشوری‌که پول بین‌المللی دارد، برای این‌که بتواند بر موقف خویش پایدار و دوامدار بماند، مناسب است در برخی امور خود کفا باشد که یکی ازین امور کسرِ بالا در بودجه کشورها و بدهی‌های خارجی است.

در نتیجه؛ در عین حالی‌که دالر امریکا ارز کماکان رئیس و مسلط بر تمام کشورها و گوشه و کنار دنیا بوده است؛ با این هم پیرامون دوام‌اش شک و تردیدهایی وجود دارد و در مورد آمدن ارز جایگزین بحث جریان دارد؛ اما متأسفانه حرص و آز سرمایه‌داران و ارتباطات‌شان اقتصاد مجازی را آفریده که ثروت جهان را به کام تعداد اندکی از ثروتمندان می‌ریزد. این امر همچون سدی در مقابل صداهایی‌که مبنی بر برگشتن دوباره طلا به عنوان معیار بلند می‌شود، می‌ایستد؛ در حدی‌که کشورهای مانند چین و روسیه که از تسلط دالر امریکایی شکایت دارند، هیچ تلاشی برای تطبیق سیستم طلا، در پیمان‌های تجاری، با ارز ملی‌شان، به خرج نمی‌دهند؛ زیرا عین نظام سرمایه‌داری در روسیه و چین و کشورهای دیگری‌که با امریکا در رقابت اند، تطبیق می‌شود و در آن کشورها ثروتمندی و جود دارند که مالک ملیاردها دالر اند.

نویسنده: محمد حنفی یغمور

منبع: مجله الوعی